

فرهنگ معاصر عربی - فارسی قیّم در یک نگاه

جواد سعدون زاده*



فرهنگ معاصر عربی - فارسی، عبدالنبی قیّم، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۸۱، ۱۲۷۰ وزیری.

از شاخص ترین عوامل تأثیرگذار در فرایند دادوستد نهاده های فرهنگی دوزبان پویا و زنده عربی و فارسی، قاموس ها و فرهنگ ها بوده اند. از این چشم انداز، می توان به آسانی دریافت که نقش این آثار تا چه اندازه، کلیدی و حیاتی است؟

آری بدون فراهم آمدن یک ارتباط دقیق، روشن و همه جانبه، گسترش تعامل و همکاری فراگیر، بین تمدن های پویای امری ناممکن بود، و به حق ریسمان سببر این ارتباط گویا، فرهنگ ها هستند.

بنابراین جای شگفتی است که کسانی، پدیدآورندگان این گونه آثار را در ترازوی تنگ نظری خویش ارزیابی کنند! بدون گزافه گویی، معتقدیم این نام آوران از حصار تنگ مرز و بوم رهایی یافته، شخصیتی فرامرزی پیدا کرده اند؛ شخصیتی که پهنه بی کران دانش بشری را می کاود، و انسان مخاطب و طرف سخن اوست.

آنان می کوشند تا ترجمان شایانی برای عصاره فضیلت و خرد ملت های یعنی زبان و فرهنگ آنها، باشند.

گمان بر این است که تجدیدنظر برخی از اهل قلم در دیدگاه های شتابزده و گاه نامهربان خویش، درخواستی دور از انتظار نخواهد بود.

البته چون این آثار از آن ماست، و ساز و کار حرکت رو به

فرهنگ نویسان هر کشوری، در تدوین آثار خویش، بالطبع اهدافی را مدنظر دارند. در حوزه تمدن اسلامی عموماً، و حوزه تمدن عربی و ایرانی خصوصاً، روند فرهنگ نویسی، تاریخ شورانگیزی را به خود دیده است.

فرزانگان و دانشوران سترگی دست به دست هم داده، با تحمل دشواری های جانکاه، ناممکن را ممکن ساختند. آن بزرگان و نام آوران به دنبال تحقق اهداف بلند ملی، اجتماعی، فرهنگی و دینی، بر آن شدند تا بخشی از میراث تابناک گذشته و حال را در قالب قاموس و فرهنگ گرد آورده، تقدیم نسل همروزگار خویش بنمایند؛ و بدین سان توانستند حلقه وصل نسل امروز را بر زنجیره آیندگان بیافزایند.

با پیدایش خجسته اسلام در سال ۶۲۲م، و افزایش گستره آن در سده های نخستین، فرهنگ اسلامی و ایرانی پیوند تشریک مساعی مقدسی را آغاز کردند. به سرعت گره های همکاری دو سویه زده شد، و چرخ جزر و مد فرهنگی میان این دو تمدن کهن به چرخش درآمد.

* استاد دانشگاه شهید چمران اهواز.

رشد ما را فراهم می‌آورند، نقد علمی آنها به وسیله اهل فن، ضروری است، که خود آن بزرگواران فروتنانه بر آن پای می‌فشارند.

روشن است که در این مصاف، گاه آثار ساختگی، جعلی و ناسره یافت می‌شود، که نه کسی به آنها وقعی می‌نهد، و نه اهل فضل را با آنها کاری است؛ بلکه به سان طفلی هستند که در گهواره جان باخته و باید شتابان به خاک سپرده شود.

اما صرف نظر از کتب و آثار ساختگی و جعلی، عرصه علم و ادب، شاهد ظهور آثاری غنی و ماندگار بوده است. یکی از این آثار ارزشمند «فرهنگ معاصر عربی-فارسی» تألیف ادیب فرزانه جناب آقای عبدالنسی قیّم است که به اختصار نکاتی پیرامون آن تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

هنوز یک سال از تولد این فرهنگ سپری نشده است که نسخه‌های آن کمیاب شده، برای بار دوم تن به چاپ می‌سپارد. بدون شک در عرصه کتاب، چنین توجه و رویکردی گسترده به این اثر، آن هم در زمانی بسیار کوتاه، برخاسته از علل و عوامل منطقی است که سرانجام می‌بایست آنها را در تار و پود این فرهنگ جستجو کرد.

به گمان ما، ویژگی‌های منحصر به فرد این فرهنگ با اعمال فناوری‌های هوشمندانه مؤلف در بُعد سخت افزاری و نرم افزاری قاموس، توانسته است، اهداف بزرگ یا بزرگ‌ترین اهداف فرهنگ نویسی را فراچنگ خویش بیاورد. البته با شناختی که از پدیدآورنده این اثر و خانواده فرهنگ پرور و سخن سرای ایشان در دست است، جای شگفتی نخواهد بود که به دست وی کاری کمرستان انجام پذیرد. افزون بر این، مطالعات گسترده و پیوسته مؤلف به او امکان داد تا بتواند با عزم و اراده در این دریا، کشتی بانی کند.

سخنی درباره اهداف پدیدآورنده فرهنگ از رهگذر مقدمه کتاب و مصاحبه‌های مؤلف و همچنین جلسات نقد و بررسی فرهنگ، می‌توان مهم‌ترین اهداف مؤلف را به ترتیب ذیل برشمرد:

۱. فرهنگ معاصر قیّم به منظور پایه‌ریزی رویکردی نوین، در فرهنگ نگاری عربی-فارسی تدوین شده است.

۲. آفرینش قاموسی نوین با ویژگی‌های منحصر به فرد برای استفاده همگان، از اهداف مؤلف یاد شده است.

۳. به کارگیری و معرفی جدیدترین و علمی‌ترین شیوه‌های فرهنگ نویسی.

۴. فرهنگ تدوین شده تا آنجا که اصول کار اجازه دهد، «فارسی‌تر» گردد.

۵. شکستن قالب‌های کهنه فرهنگ نویسی عربی-فارسی، که همیشه با واکنش‌های سختی همراه بوده است.

۶. تحقق بخشیدن به اهداف والای دینی و فرهنگی و ملی با ایجاد بستری مناسب برای مترجمان و پژوهشگران در حوزه پژوهش‌های عربی-فارسی و بالعکس.

مهم‌ترین منابع فرهنگ معاصر قیّم

شاکله این اثر در واقع بر دو فرهنگ زیر، بنا شده است:

الف. فرهنگ المنجد الابدی تألیف لویس معلوف؛

ب. قاموس المورد عربی-انگلیسی، از دکتر روحی البعلبکی.

مؤلف برای جبران کاستی‌های این دو اثر به طور پراکنده از المعجم العربی الحدیث (عربی-عربی) اثر دکتر خلیل جرّ، و از القاموس العصري (عربی-انگلیسی) تألیف الیاس أنطوان الیاس، و همچنین از فرهنگ معاصر عربی-انگلیسی اثر هانس وور (Hans Wehr) بهره جسته است.

همچنین مؤلف به منظور برپا ساختن کتاب، با گنجاندن مدخل‌های جدید، با تکیه بر مطالعات گسترده خویش، و به کارگیری رسانه‌های دیداری و شنیداری، و معتبرترین روزنامه‌ها و مجلات و آثار ادبای طراز اول جهان عرب انبوهی از واژگان متنوع و کلیدی را در فرهنگ معاصر گردآوری کرده است.

ویژگی متمایز و منحصر به فرد این فرهنگ، تعداد مدخل‌های آن است، پیرامون شمار مدخل‌ها ذکر این نکته خالی از لطف نیست که این فرهنگ تک جلدی با بیش از پنجاه و پنج هزار مدخل، در مقایسه با عظیم‌ترین فرهنگ عربی پانزده جلدی یعنی «لسان العرب» با هشتاد هزار مدخل، فاصله چندانی ندارد.

فرهنگ معاصر قیّم، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر فرهنگ‌ها متمایز می‌کند؛ ذیلاً به پاره‌ای از ویژگی‌های ساختاری این فرهنگ، اشاره می‌شود:

۱. ترتیب الفبایی واژه‌ها. مؤلف به منظور آسان کردن جستجوی واژه‌ها در فرهنگ خود، و نزدیک ساختن کتاب به

با توجه به اینکه فرهنگ معاصر، فرهنگی عمومی است و از کل زبان و علوم آن سخن می‌گوید، به همین نسبت یافتن برابرها و معادل‌ها برای فرهنگ‌نویس دشوار و دشوارتر می‌گردد. اهل فن نیک آگاهند که در فرهنگ‌های تخصصی، این مهم به مراتب آسان‌تر از فرهنگ‌های عمومی است.

مؤلف با گنجانیدن بیش از پنجاه و پنج هزار مدخل از روش شرح و توصیف معانی و یا به عبارتی از ترجمه معنی اجتناب کرده و تا حد امکان، مروارید معادل‌ها و برابرها را از دریای بیکران زبان فارسی صید کرده است. همین ویژگی برجسته، به تنهایی می‌تواند جایگاه‌الایی را برای این اثر فراهم آورد. مؤلف با این رویکرد توانسته است راه مترجمان، پژوهشگران و دانشجویان هر دو زبان را برای نیل به ژرفای معانی واژگان، هموار سازد.

۲. نوگرایی

یکی دیگر از ویژگی‌های این فرهنگ، روح نوگرایی و به روز بودن اکثر مدخل‌ها و معادل‌های گزیده شده می‌باشد؛ به نحوی که آثار طراوت و تازگی در این کتاب به وضوح قابل رؤیت است.

با عنایت به انفجار شگرف واژگان در بستر زبان عربی، که رهاورد ارتباط تنگاتنگ آن زبان با جهان معاصر و به ویژه مغرب‌زمین است، مؤلف توفیق یافته، کلید واژه‌های نوین، و به ویژه واژه‌های دو دهه اخیر را با تکیه بر منابع جدید و موثوق در دسترس علاقه‌مندان قرار دهد.

۳. بیان مصدری فعل‌ها

مؤلف در معادل‌یابی افعال، به جای ترجمه آنها به فعل، برابر مصدری آنها را ذکر کرده است. به عنوان مثال: «بَدَأَ: آغاز کردن»، معادل‌گذاری شده و از ترجمه آن به «آغاز کرد» اجتناب شده است. مؤلف معتقد است به دلیل شکل خاص مصدرهای عربی، در فرهنگ‌های عربی از صیغه مفرد مذکر غایب ماضی به عنوان مدخل استفاده می‌کنند. به همین دلیل ذَهَبَ، كَتَبَ، ضَرَبَ و ... را به عنوان مدخل ثبت کرده‌اند. اما در زبان‌های دیگر که چنین محدودیتی وجود ندارد، نباید این گونه مدخل‌ها را به صورت فعل ترجمه کرد. به همین دلیل کلیه فرهنگ‌های عربی-انگلیسی، عربی-فرانسه، عربی-روسی-چه‌آنهايي که توسط فرهنگ‌نویسان عرب تألیف شده و چه آنهايي که توسط سایرین نوشته شده‌اند در زبان مقصد، مصدر آن زبان را به عنوان معادل فعل قرار داده‌اند. در زبان فارسی نیز می‌باید

طبع خوانندگان فارسی‌زبان، و دشوار بودن ترتیب ریشه‌ای واژه‌ها، روش الفبایی را در مرتب ساختن مدخل‌ها برگزیده است.

در این روش واژه بر مبنای تلفظ، مورد جستجو قرار گرفته نه بر اساس ریشه و ماده اصلی کلمه برای نمونه واژه «تطبیق» را باید در حرف «ت» جست، و از ریشه «طبق» به عنوان مبنای یافتن واژه صرف نظر شده است.

۲. مصدرهای همراه فعل در مدخل‌ها حذف شده است، نظر مؤلف آن است که از تراکم واژه‌ها در کنار مدخل بکاهد و متن فرهنگ فارسی تر شود.

۳. حذف فاعل و مفعول برای فعل‌ها، و بیان فارسی آن دو در میان کمان، که جهت رعایت اختصار، فارسی‌تر کردن فرهنگ، کاهش حجم کتاب و صرفه‌جویی در وقت انجام گرفته است.

۴. حذف «ال» از اکثر مدخل‌های اسمی، جز در مواردی که باعث ابهام می‌گردد.

۵. مشخص کردن نوع مدخل (اسم، فعل، حرف)، در روبه‌روی هر مدخل در قلاب [.] .

۶. نشان دادن ریشه مدخل در مقابل هر مدخل، درون قلاب [.] .

۷. ذکر نوع فعل (لازم، متعدی، مجهول).

۸. ضبط کلمات با حرکت و اعراب‌گذاری در موارد ضروری.

۹. به کارگیری علائم سجاوندی به طور مناسب.

۱۰. استفاده از نشانه‌های اختصاری ابتکاری. این امر در کاهش زمان جستجو، و کاستن حجم کتاب و تبیین حوزه معنایی واژه‌ها بسیار سودمند است.

اما در خصوص ویژگی‌های مفهومی این فرهنگ، به مهم‌ترین نکات آن ذیلاً اشاره می‌گردد:

۱. گزینش برابرها و معادل‌های فارسی

از ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ که می‌تواند «ید بیضا» به شمار آید، پافشاری مؤلف بر یافتن معادل‌ها و برابرهاي فارسی در برگردان مدخل‌هاست.

مصدر را به عنوان معادل فعل قرار داد.

۲. بُعد اخلاقی فرهنگ

از آنجایی که هر فرهنگی عصاره فضیلت مؤلف آن است، لذا آقای قسیم از واژه‌های ناسازگار با هنجارهای اخلاقی، با درایت صرف نظر کرده و با این عمل، بُعد اخلاقی معناداری را به اثر خویش بخشیده است.

۵. تنوع و گوناگونی واژه‌ها

همچنان که پیش از این اشارت رفت، این اثر از نظر تنوع واژگان با فرهنگ‌های مشابه غیر قابل مقایسه است. نگارنده این سطور، دست کم این فرهنگ را به سه فرهنگ مطرح در کشور تطبیق داده و در مقام مقایسه میان آنها برآمد، و در نهایت این فرهنگ بر همه آنها فایق آمده است. مثال‌های زیر می‌تواند صحت این گفته را ثابت کند:

الف. واژه‌های نو در عرصه فرهنگ و سیاست

عولمة (جهانی شدن)، خطاب (گفتمان)، مستجدات (آخرین تحولات)، القرية الكونية (دهکده جهانی)، ازدواجیه (دوگانگی، یک بام و دو هوا بودن)، حوار الحضارات (گفتگوی تمدن‌ها)، صدام الحضارات (برخورد تمدن‌ها)، حدائة (مدرنیسم)، مابعد الحدائة (پسامدرنیسم، پست مدرنیسم)

ب. واژه‌های جدید در زمینه علوم

تَقْنِيَّة (تکنولوژی، فناوری)، مورث (ژن)، حاسب الکترونی (رایانه)، قرص (دیسک)، ترامز (ایزومری)، انطوائی (درون‌گرا)، عصاب (روان رنجوری)، حساب التکامل (حساب انگرال)

چند پیشنهاد

در راستای تجلیل علمی از مؤلف فرهنگ، زیبنده است اهل فضل و صاحب نظران و علاقه‌مندان، نظرات و پیشنهادهای اصلاحی و کارساز خویش را از آفرینندگان این آثار که در واقع سرمایه همه ماست، دریغ نوزند. قدر مسلم طرح این پیشنهادها برای بهتر شدن کار و به منظور اعتلای هرچه بیشتر فرهنگ می‌باشد، و بدون شک تصمیم‌گیرنده نهایی مؤلف محترم خواهد بود. ذکر این نکته نیز ضروری است که طرح پیشنهادها بیانگر علاقه پیشنهاددهنده به فرهنگ بوده و به هیچ وجه از ارزش علمی و شأن والای این اثر جلیل نمی‌کاهد.

۱. در ویراست‌های آینده کتاب، درج عین الفعل مضارع برای فعل‌ها، بر افزایش توان بهره‌وری کتاب خواهد افزود، و ضریب به کارگیری آن را توسط کارشناسان بالا خواهد برد.

۲. ذکر مصادر در کنار افعال ثلاثی مجرد، به دلیل سماعی بودن آنها ضروری می‌نماید؛ وانگهی برخی از افعال ثلاثی مجرد با تغییر مصدر، معنایی متفاوت می‌یابند. امید است مؤلف گرامی به این مهم عنایت داشته باشند.

۳. حال که این اثر بزرگ به زور طبع آراسته شد و مؤلف محترم با دغدغه کمتری روبروست، پیشنهاد می‌گردد مؤلف گرامی علاوه بر معادل‌های موجود، معانی نوین را افزون بر آنچه هست، به کتاب بیافزاید. در این صورت، شمار بیشتری از محققان، روی نیاز بدان خواهند آورد.

برای نمونه می‌توان برای «قسیمه» علاوه بر کوپن و بُن، «کالابریگ» را نیز اضافه کرد، یا برای «مرهم»، معادل «پماد» را به معادل‌های آن افزود. همچنین برای «مساعدة مالیة» علاوه بر معادل آن کمک مالی، یارانه (سوسید) را اضافه کرد.

در مدخل «تحنیط»، «مومیایی کردن» بهتر از «پُر کردن پوست» است. هر چند که هر دو آمده است. اضافه کردن معادل ویرایش به «حور»، و پیش امضا یا پاراف به «مصادقة» خالی از لطف نخواهد بود.

۴. فراهم ساختن یک فرهنگ جیبی از بطن فرهنگ، جهت استفاده دانشجویان و اساتید در فضاهای آموزشی به سبب آسانی حمل، سودمند خواهد بود.

در این جا ناگزیر از بیان این حقیقت خواهیم بود که یک اثر علمی و ادبی اصیل دیر یا زود، طوعاً او کرهاً زیر ذره بین نقد و موشکافی نکته‌بینان خواهد رفت. مؤلف محترم در گذشته نشان داد با شکیبایی فرهنگ نقدپذیری را کریمانه برمی‌تابد و با منطق و تواضع، نظرات اصلاحی را گاه از باب «المومن مرآة المومن» (مؤمن آینه تمام‌نمای مؤمن است) و گاهی از باب «أحب إخوانی من أهدي إلی عیوبی»، (بهترین برادر من آن است که عیب و نقص مرا به من بگوید) از برادران و خواهران خود می‌شنود.

در خاتمه متوقع است چنین اثر گرانبگی شتابان در جهان اسلام و به ویژه در کشورهای چون مصر، لبنان، سوریه، کویت و امارات متحده عربی که کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های خود دارند، مخاطبان خود را پیدا خواهد کرد. با تبریک صمیمانه به مؤلف محترم در انتظار آثار علمی و خدمات ارزنده ایشان هستیم.

آری عبدالنبی قسیم فرزند تلاشگر خوزستان عزیز، نغمه نوینی در دستگاه فرهنگ نویسی عربی-فارسی نواخت، که بدون تردید گوش نیوش اهل ذوق و هنر را به زودی مجذوب خویش خواهد ساخت.

